روزنه

پس‌زمینه‌های استعفای حریری

دکتر حسین آجورلو*

● استعفای سعد حریری از نخست‌وزیری لبنان، با توجه به جایگاه مهم این منصب در امور سیاسی و اجرائی این کشور، زمینه‌ساز ایجاد یک دوره از بی‌ثباتی سیاسی است. حال سؤالاتی که پیش می‌آید این است که چرا سعد حریری دست به استعفا زد؟ آینده لبنان بعد از استعفای سعد حریری به کدام سمت‌وسو می‌رود؟ آیا امکان یک جنگ داخلی دیگر وجود دارد؟ چه عوامل داخلی در این استعفا تأثیرگذار بوده است؟ آیا قدرت‌های خارجی مانند عربستان سعودی نقشی در استعفای سعد حریری داشته‌اند؟ آیا این استعفا عوامل داخلی داشت یا شرایط منطقه‌ای به این سمت‌وسو می‌رود؟ اهداف سعد حریری از اتهام‌زنی به جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله چیست؟ و در آخر آیا می‌توان رابطه‌ای میان استراتژی جدید دونالد ترامپ و تحریم کاتسا با این استعفا یافت؟ در این یادداشت سعی می‌شود به شکل مختصر به این سؤالات پاسخ داده شود. در مورد عوامل استعفای سعد حریری می‌توان عوامل داخلی را ذکر کرد؛ نخست ایالات متحده آمریکا تحریم‌های گسترده‌ای علیه حزب‌الله لبنان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران اجرائی کرده که دولت لبنان به دلیل تعامل گسترده بین‌المللی مجبور به اتخاذ محدودیت‌هایی گسترده علیه حزب‌الله است. این امر به دلیل حضور فعال حزب‌الله در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجرائی لبنان موجب ایجاد تنگناهای زیادی برای امور اجرائی دولت این کشور می‌شود؛ به نظر می‌رسد اگر حریری به‌عنوان رئیس قوه مجریه می‌خواست این محدودیت‌ها را ایجاد کند زمینه‌ساز درگیری جدی با حزب‌الله و همچنین نیروهای نزدیک به آن می‌شد و حریری نیز برای تداوم حضور سیاسی خود در صحنه سیاسی لبنان نمی‌خواست وارد این درگیری شود. دوم اینکه حریری با وعده‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به گروه‌های سیاسی لبنانی و ایجاد امید میان مردم توانست پست نخست‌وزیری را در لبنان در اختیار بگیرد. وی این ترس را داشت که با تداوم نخست‌وزیری خود نتواند پیروزی لازم را در انتخابات اخیر به دست آورد ولی عملا نتوانست کار خاصی برای بهبود شرایط بحرانی این کشور کند. به نظر می‌رسد با طرح مسائلی مانند ایجاد مشکلات حزب‌الله برای لبنان به‌نوعی با فرافکنی روند انتخابات آینده را تحت‌تأثیر قرار دهد. سوم اینکه برخی از متحدان حزبی حریری به دلیل اتخاذ برخی از سیاست‌ها با وی به مشکل خورده بودند و شکاف‌هایی در جریان المستقبل ایجاد شده بود. به‌عنوان مثال می‌توان به اختلافات «اشرف ریفی» و «فؤاد سنیوره» در برخی از موضوعات با وی اشاره کرد و مسائل فوق به اعتبار سیاسی حریری آسیب رسانده بود. به نظر می‌رسد این اقدام می‌تواند زمینه را برای ایجاد اتحاد در این حزب فراهم کند تا بتواند ضمن مانع‌شدن از ایجاد شکاف سیاسی اکثریت آرای اهل سنت لبنان را همچنان برای این حزب حفظ کند. اگرچه عوامل داخلی ذکرشده در استعفای حریری تأثیرگذار بوده ولی به نظر می‌آید اثرگذاری عوامل خارجی بیشتر باشد. نخست بعد از قدرت‌یافتن «محمد بن سلمان»، وی تلاش زیادی را برای کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران آغاز کرده و به سوی راهبردهای سخت و نرم برای کاهش این حضور و نفوذ به‌خصوص گروه‌های نزدیک به ایران مانند حزب‌الله پیش رفته است. حریری یکی از هم‌پیمانان عربستان سعودی است و تقریبا هیچ اقدامی را بدون مشورت با مقامات این کشور انجام نمی‌دهد که این استعفا نیز در راستای فشارهای عربستان سعودی به وی بوده است. سعد حریری در دوره نخست‌وزیری خود براساس واقعیت‌های عرصه سیاسی لبنان، سیاستی تعاملی در قبال رقبای سیاسی خود به‌خصوص حزب‌الله لبنان اتخاذ کرده بود که این امر موجب ناراحتی مقامات سعودی شده بود به گونه‌ای که بارها در محافل سیاسی و رسانه‌ای لبنان صحبت از اختلاف میان عربستان سعودی و سعد حریری بوده است، به نظر می‌رسد مقامات عربستان سعودی از برخی از اقدامات وی راضی نبوده و به وی برای استعفا و قطع این روند فشار آورده‌اند. از سوی دیگر با وادارکردن حریری به استعفا و مقصرجلوه‌دادن حزب‌الله لبنان در بحران سیاسی این کشور، اقدام به ضربه‌زدن به حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران کند. دوم اینکه براساس راهبرد جدید دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت باید محدود شود. بخشی از این راهبرد از طریق متحدکردن نیروهای طرفدار خود برای تحت فشار قراردادن جمهوری اسلامی است. به نظر می‌رسد سعد حریری به‌عنوان هم‌پیمان عربستان سعودی و غرب می‌تواند با استعفا و بحرانی‌کردن صحنه لبنان به بخشی از این راهبرد تبدیل شود. کلیدواژه این راهبرد نقش جمهوری اسلامی در تحولات خاورمیانه است که کشورهای اروپایی اگرچه در به‌چالش‌کشیدن برجام با ایالات متحده آمریکا هم‌نظر نیستند اما در این سیاست یعنی معرفی‌کردن جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان عامل بی‌ثباتی هم‌نظر هستند.

ادامه در صفحه ۱۹

politics@sharghdaily.ir

تحلیل محمد ایرانی، مدیرکل خاورمیانه وزارت امور خارجه از شرایط سیاسی لبنان

نحوه استعفای حریری، گویای همه‌چیز است

نگران آینده لبنان هستیم

زینب اسماعیلی: صحنه سیاسی لبنان با استعفای ناگهانی هفته گذشته سعد حریری یک‌باره دگرگون شد. کشوری که بعد از دوسال‌ونیم بحران و درگیری ناشی از بی‌دولتی، با توافق نانوشته حزب‌الله و گروه‌های سیاسی دیگر این کشور، با انتخاب حریری به نخست‌وزیری، کم‌کم به سمت آرامش می‌رفت. اما ازآنجاکه صحنه سیاسی لبنان به‌صورت مزمن به صحنه رقابت ایران و عربستان بدل شده، ریاض حریری را قربانی نزاع منطقه‌ای جاری کرد. اگرچه هنوز زمان لازم است تا جزئیات بیشتری از دلایل این استعفا مشخص شود. تحلیل‌گر روزنامه انگلیسی ایندیپندنت در مطلبی نوشته این استعفا در حالی انجام گرفته که حریری در فرودگاه ریاض با محاصره نیروهای پلیس مواجه شده و او مجبور به این استعفا شده است.

این استعفا بر حسب اتفاق یا برنامه‌ریزی، یک روز بعد از ملاقات دیپلماتیک بین علی‌اکبر ولایتی و سعد حریری در بیروت، از ریاض اعلام شد. اگرچه زمان، مکان و نحوه اعلام استعفا سؤال‌برانگیز بود اما آنچه بعد از این در لبنان به وقوع خواهد پیوست، بیشتر نگران‌کننده است. چینش سیاسی جدید و دخالت کشورهای دیگر و آنچه در این کشور در جریان این رقابت‌ها به وقوع خواهد پیوست، بهانه گفت‌وگویم با محمد ایرانی، مدیرکل خاورمیانه و شمال آفریقای وزارت امور خارجه است.

آنچه در سوریه می‌گذرد، به‌ویژه موفقیت‌هایی که به نیروهای ایرانی منتسب می‌شود، چقدر در سیاست‌های ضدایرانی عربستان در منطقه تأثیر می‌گذارد؟

به‌هرصورت عربستان سعودی از ابتدای بحران در جبهه مقابل سوریه، روسیه و جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و فراموش نکنیم در شورای همکاری خلیج فارس به اتفاق قطر از تندترین جریانات مسلح معارضه از جمله جبهه‌النصره حمایت مالی و تسلیحاتی گسترده کرده‌اند. اهداف آنها نیز با آنچه جمهوری اسلامی ایران در منطقه دنبال می‌کرده و می‌کند کاملا در تعارض قرار دارد؛ به‌طور مثال آینده سوریه، سرنوشت آقای بشار اسد و موضوعات مختلف مربوط به بحران یمن شاخص این سیاست‌های متفاوت دو کشور است. بنابراین خیلی دور نیست اگر در ارزیابی خود نسبت به تقابل دو رقیب منطقه‌ای به این جمع‌بندی برسیم که عربستان از سایر ابزارهای منطقه‌ای خود برای جلوگیری از نفوذ ایران استفاده کرده ولی نتوانسته توفیقی داشته باشد. البته براساس اطلاعات موجود، سعودی‌ها در خارج از منطقه و در دیدار با سایر مقامات بین‌المللی در اروپا و ایالات‌متحده حتی با سران آفریقا و آسیا، سیاست تخریب را در پیش گرفته و به‌طور هماهنگ نقطه عطف مذاکرات خود را درباره مسائل منطقه (ایران‌هراسی) و القای دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور کشورهای همسایه و شیعه‌هراسی قرار داده‌اند و البته هزینه‌های مالی زیادی نیز برای تأثیر بر افکار عمومی و رسانه‌های بین‌المللی در همین راستا متحمل شده‌اند.

در جدیدترین اتفاق، شنیده شده سعد حریری نخست‌وزیر لبنان، در ملاقات با آقای ولایتی بعد از دریافت پیام منفی ایران درباره یمن به عربستان رفته و استعفا داده؛ بدین ترتیب عملا صحنه سیاسی لبنان با بی‌دولتی مواجه شده و نگرانی از وضعیت آینده این کشور رو به افزایش است. شما این نگرانی‌ها را جدی می‌دانید؟

درباره بحث استعفای ایشان و ارتباط آن با موضوع یمن من اطلاعی ندارم و شواهد نشان می‌دهد که این خبر یا تحلیل صحیح نیست اما اینکه نگرانی‌هایی برای آینده لبنان وجود داشته باشد، در یک نگاه کلی باید گفت هرگونه اقدامی که موجب شود ثبات و آرامش در این کشور به‌هم بریزد، زمینه‌های بروز ناامنی را افزایش می‌دهد و احتمالا برخی بیگانه‌ها مثل رژیم صهیونیستی از این فرصت سوءاستفاده می‌کنند. بنابراین جا دارد تا حدودی این نگرانی را جدی بدانیم اما تجربه چند سال گذشته نشان داد که صحنه سیاسی لبنان مشحون از این ناملایمات بوده و ایام ثبات و استقرار مداوم در آن، کمتر از ایام اختلاف بوده ولی پس از مدتی این کشور از این بحران‌های داخلی عبور کرده؛ مثلا چندی نمی‌گذرد که بحرانِ حدود دو سال بدون رئیس‌جمهوری را تجربه و پشت‌سر گذاشته‌اند.

بنابراین این ظرفیت نیز نزد گروه‌ها و احزاب سیاسی و مردم لبنان وجود دارد که بر این مشکلات فائق آیند؛ منتها شرط آن دخالت‌نکردن طرف‌های خارجی از جمله اسرائیل است.

دستگاه دیپلماسی ایران به ادعاهای آقای حریری واکنش نشان داد اما غیر از این واکنش آیا دستگاه دیپلماسی وارد رایزنی‌ها و مشورت‌هایی برای ساماندهی به وضعیت لبنان شده یا نه؟ مثلا تماسی بین آقای ظریف و آقای باسیل یا رایزنی با آقای میشل عون؟

ما این وضعیت را یک وضعیت کاملا لبنانی می‌دانیم و معتقدیم هیچ طرفی نباید در آن دخالت داشته باشد بلکه معتقدیم خود لبنانی‌ها و آقای رئیس‌جمهور و رئیس مجلس می‌توانند بر این مشکل فائق بیایند اما درعین‌حال رایزنی و مشورت امر پسندیده‌ای است. لبنان نباید به سمت بی‌ثباتی و حضور مجدد تروریست‌ها برود. در یک اقدام منطقه‌ای و در راستای منافع مردم لبنان نه‌تنها با این کشور بلکه با سایر کشورهای مهم منطقه‌ای و بین‌المللی تبادل‌نظر و رایزنی درباره موضوعات لبنان می‌تواند به ادامه ثبات در این کشور کمک کند.

استعفای حریری درحالی‌که آقای ولایتی در این کشور بود و یک روز قبل با او رایزنی کرده‌بود، برخی انتقادها را نسبت به ریسک دستگاه دیپلماسی برانگیخت. برخی معتقد بودند این اتفاق باید از سوی وزارت خارجه به‌ویژه سفارت ما در لبنان پیش‌بینی می‌شد و چنین ملاقاتی نباید انجام می‌شد. اگر دستگاه دیپلماسی این نقد را می‌پذیرد، می‌توان به‌عنوان یک ایراد از آن یاد کرد که موجب واکنش نسبت به سفیر شود، اما اگر وزارت خارجه این نقد را نمی‌پذیرد، یعنی این ملاقات موجب این استعفا شده و بار جدیدی از تنش منطقه‌ای بین ایران و عربستان را برانگیخته است.

همه شواهد نشان می‌دهد که این امر قابل پیش‌بینی نبوده، حتی خود شخص سعد حریری نیز از آن بی‌اطلاع بوده است. به چند دلیل این را عرض می‌کنم؛ اولا اعلام این استعفا از مرکز و پایتخت یک کشور دیگر، بلافاصله پس از سفر دوم وی سؤال‌برانگیز و غیرطبیعی است. این استعفا می‌توانست در داخل کشور پس از بازگشت اعلام شود.

به نظر من وقتی این استعفا از ریاض اعلام می‌شود، خودبه‌خود گویای بسیاری از حقایق است که نیازی به تفسیر و تحلیل ندارد و حتما میزان استقلال ایشان را در یک تصمیم‌گیری مهم ملی نشان می‌دهد. دوم اینکه این اقدام تعجب همه طیف‌های لبنانی را موجب شده، حتی هم‌پیمانان ایشان در دولت لبنان و دوستان ایشان در جریان المستقبل را که عموما اطلاعی از قبل نسبت به این استعفا نداشته‌اند، دچار ابهام کرده است. سوم اینکه ایشان قبل از سفر به ریاض در دیدار با طرف ایرانی کاملا مثبت و طبیعی برخورد و نسبت به پیگیری برخی امور در آینده بحث کرده که از نظر ما بیانگر ماندگاری وی و از نظر ایشان بیانگر عدم احتمال کناره‌گیری است.

به نظر شما آینده لبنان چه می‌شود؟ به نظر شما کدام گروه جای خالی پست نخست‌وزیری را در این کشور پر می‌کند؟

به‌لحاظ فضای امنیتی، هر لحظه این امکان وجود دارد که تحرکاتی در داخل کشور از سوی برخی افراد و گروه‌ها یا حمله رژیم صهیونیستی به وجود آید، اما به‌لحاظ سیاسی و حقوقی راهکارهایی در منشور ملی لبنان پیش‌بینی شده است. به‌هرحال آقای رئیس‌جمهور همواره رئیس قوه مجریه و رئیس شورای وزیران یا همان کابینه است و همواره جلسات دولت با حضور و ریاست ایشان تشکیل می‌شود.

درعین‌حال در صورتی که رئیس‌جمهور استعفای آقای حریری را بپذیرد، لاجرم پس از مشورت با نمایندگان پارلمان، فرد دیگری از اهل سنت که بیشترین طرفدار را داشته باشد، از سوی ایشان مسئول تشکیل کابینه خواهد شد. تا آن زمان کابینه فعلی تحت عنوان کابینه رتق‌وفتق امور کار را ادامه خواهد داد. درعین‌حال چنانچه این مهم به تأخیر افتد و به درازا بکشد، با نزدیک‌شدن انتخابات پارلمان در مارس آینده، فراق سیاسی شرایط جدیدی را به این کشور تحمیل خواهد کرد.

واکنش توییتری ظریف به قمار عربی

شرق: وزیر امور خارجه ایران اگرچه آخر هفته در ازبکستان و سمرقند مشغول رایزنی‌های دوجانبه بود اما از التهابات موجود در منطقه خاورمیانه نیز غافل نبود. او در چند توییت به موضوع لبنان، یمن و سوریه پرداخت که در همه آنها نیز به عملکرد سلمان در عربستان پرداخته بود. ظریف در توییتی نوشته «یک فرد باتجربه‌تر ممکن بود متوجه شود که شرط‌بندی بالاتر روی انتخاب‌های غلط با دامن‌زدن به بحران‌های بیشتر عاقلانه نیست و تنها می‌تواند به پشیمانی بینجامد». او در انتهای این توییت این هشتگ‌ها را زده: #صدام #طالبان #زرقاوی #داعش و اکنون #یمن #قطر #لبنان.

پیداست که منظور توییت او عربستان و شخص محمد بن‌سلمان است که تاکنون استراتژی‌های شکست‌خورده‌ای در منطقه پیاده کرده اما از ادامه‌دادن این سیاست‌ها دست برنمی‌دارد. عربستان در جدیدترین اقدام، در امور لبنان دخالت کرده و نخست‌وزیر این کشور را مجبور به استعفا در ریاض کرده است. برخی منابع خبری گفته‌اند که این استعفا در شرایط اجبار از سوی عربستان انجام گرفته است. به تعبیر ظریف در توییتر، این عملکرد به‌نوعی شرط‌بندی یا قمار است که به پشیمانی منجر می‌شود. ظریف در توییت دیگری نیز نوشت: هیچ بحرانی نیست که با دیپلماسی قابل حل نباشد. «به هر اندازه که در پایان‌دادن به کابوس سوریه از طریق گفت‌وگویی فراگیر نزدیک می شویم، همین کار را برای یمن هم باید انجام دهیم». ظریف در ادامه این یادداشت توییتری تأکید کرد: «نباید بحران تازه‌ای به‌وسیله بمباران، تهدید یا استعفا تحمیل شود. هیچ بحرانی نیست که با دیپلماسی قابل‌حل نباشد. ما یک بار آن را ثابت کردیم. هدف ایران تأمین و حفظ صلحی است که هیچ طرفی از آن محروم و مستثنا نشود». ظریف در توییت دیگری نیز طرح صلح چهارماده‌ای ایران برای حل بحران یمن در دوسال‌ونیم پیش را بار دیگر مطرح کرد. به گزارش ایرنا، محمدجواد ظریف در صفحه توییتر خود نوشت: «در سال ۲۰۱۵، با فاصله کمی از شروع حملات ائتلاف سعودی علیه یمن، در نامه‌ای به دبیرکل ملل متحد یک طرح صلح چهارماده‌ای ارائه کردم: آتش‌بس، کمک‌های انسان‌دوستانه، گفت‌وگوی یمنی- یمنی، دولت فراگیر».

بحران ۲ ساله یمن

یمن دو سال است که با حمله عربستان سعودی با کشتار غیرنظامیان، قحطی و وبا و سوءتغذیه شدید کودکان مواجه است. هفته گذشته سخنگوی دبیرکل سازمان ملل متحد درباره شرایط یمن و انسداد گذرگاه‌ها از سوی ائتلاف عربستان در نشست خبری خود توضیح داد: مقام ارشد کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل، شرایط وخیم یمن را به شورای امنیت اطلاع می‌دهد. مارک لوکوک هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل در شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره این موضوع صحبت می‌کند. نگرانی شدید ما درباره شرایط این کشور همچنان ادامه دارد، جایی که هفت میلیون انسان با قحطی مواجه شده‌اند و فقط می‌توان تصور کرد که اگر بنادر و گذرگاه‌های کمک‌های انسان‌دوستانه و رفت‌وآمد تجاری باز نشود، چه اتفاقی خواهد افتاد.

مارک لوکوک، معاون امور بشردوستانه دبیرکل سازمان ملل متحد ضمن تأکید بر پایان‌دادن به محاصره یمن از سوی ائتلاف عربی در این کشور و هشدار درباره اینکه اگر ائتلاف عربی به محاصره این کشور پایان ندهد، با فاجعه انسانی و قحطی میلیون‌ها نفر روبه‌رو خواهیم شد، از تلاش سازمان ملل برای رساندن کمک‌های بشردوستانه به نیازمندان یمنی خبر داد. از سوی دیگر شورای امنیت سازمان ملل متحد نسبت به وضعیت شش میلیون و ۸۰۰ هزار یمنی در معرض قحطی ابراز نگرانی کرد. به گزارش ایرنا، ائتلاف سعودی - آمریکایی در هفته جاری به بهانه جلوگیری از ارسال سلاح به نیروهای انصارالله و شلیک موشک بالستیک به فرودگاه بین‌المللی ریاض، همه گذرگاه‌های زمینی، دریایی و هوایی یمن را بسته است؛ اقدامی که در پی آن بیش از ۲۰ میلیون یمنی از آن متضرر و اوضاع انسانی در این کشور وخیم‌تر شده است. ائتلاف به سرکردگی عربستان در سال ۲۰۱۵ (فروردین ۹۴) به بهانه حمایت از عبدربه منصور هادی، رئیس‌جمهوری مستعفی و فراری یمن، تجاوز نظامی به این کشور را آغاز کرد.

نگاه

سرنوشت خاورمیانه در سایه ابهام

اکبر قاسمی . دیپلمات پیشین

● «آیا ملکیت محمد سلمان در پرتو حذف نوادگان آل‌سعود و تنش در نخست‌وزیری لبنان و آرمان فلسطین در حال ظهور است؟»

- اصابت موشک یمنی به فرودگاه ملک خالد در ریاض، هم‌زمان با تحولات پیچیده استعفای جبری سعد حریری و موج بازداشت‌های خانگی شاهزاده‌ها و وزرای سابق، به‌ویژه دانه‌درشت‌های آنها (شامل متعب، فرمانده گارد ملی، بکر بن‌لادن، برادر ناتنی بن‌لادن، ولید بن طلال، شاهزاده و میلیاردر معروف و اولین معارض محمد سلمان، ترکی بن عبدالله، امیر سابق ریاض و از فرزندان ملک عبدالله، عادل فقیه، وزیر اقتصاد فعلی، عبدالله بن سلطان، معاون قبلی وزیر دفاع و فرزند سلطان ولیعهد سابق و کشته‌شدن مبهم مغموض فرزندان مقرن و فهد؛ یعنی منصور و عبدالعزیز و گروگان‌گرفتن سعد حریری در ریاض بین اعلام استعفا در نخست‌وزیری و مسکوت‌گذاشتن پرونده فساد...) بیانگر عمق و ابعاد و پیامدهای چندوجهی و به‌هم‌پیوسته این رخدادها هستند؟

- اظهارات زودهنگام دونالد ترامپ، در حال عزیمت به ژاپن، که گفته این موشک ایرانی بوده، نشانگر تأثیر لابی سعودی بر ترامپ و همچنین ادامه نوار ناپختگی‌های او در اظهارنظرهای بی‌ربط را به‌درستی می‌رساند. هرچند ادامه اظهارات وی که موشک‌های پاتریوت آمریکا باعث خنثی‌سازی این موشک شلیک شده به فرودگاه ریاض شد، اهداف واقعی ترامپ در بازاریابی و راهبرد تجارت سلاح‌های آمریکایی را به سعودی‌ها و حتی ژاپنی‌ها در تهدیدات ناشی از کره‌شمالی بیان می کند ، اما پاسخ حساب‌شده فرمانده سپاه با ارائه این استدلال که این نوع موشک‌ها برخاسته از ظرفیت خود یمنی‌هاست و امکان ارسال موشک برد بلند به یمن میسر نیست، معقول و اقناع‌کننده به نظر می‌رسد.

- در پرتو تحولات داخلی و رخدادهای مبهم و چندلایه متواتر ناشی از تسویه‌حساب‌های درونی عربستان در درجه اول، درایت حکم می‌کند مانند رویکرد سنجیده‌ای که سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، در تعامل با استعفای جبری و اعلام‌شده سعد حریری از ریاض و هرگونه واکنش به این رخداد مبهم را به روشن‌شدن زوایای پنهان این تحولات و مشورت‌های میشل عون با گروه‌های داخلی و توصیه به آرامش و صبر و خویشتن‌داری احاله کرد...

ادامه در صفحه ۱۹